

تاریخ و رحال

نقش حج در تحولات دینی غرب آفریقا

سلمان

بلال

نقش حج

تحولات دینی غرب آفریقا

محمد علی سلطانی



مسلمانان آفریقای غربی علی رغم گذشتہ درخشنان دینی و نقشی کہ در خلق تاریخ دینی غرب آفریقا داشتند، برای مسلمانان مناطق دیگر شناخته شدہ نیستند. در کشورهای اسلامی خاورمیانه و خاور دور، آگاہی تاریخی نسبت به مسلمانان غرب آفریقا، در حد بسیار پایین است و از تعبیر «مسلمانان آفریقا» چیزی در حد ساکنان مسلمان کشورهای شرق و شمال آفریقا در ذهنها نقش می‌بندد و کمتر دیده‌ها به سوی غرب آفریقا و کشورهای آفریقای غربی منعطف می‌گردد. در حالی که حاکمیت مسلمانان در قالب و ساختار حکومتهای دینی و امپراطوریهای اسلامی در آن مناطق، قرنها در جریان بود و هم اکنون نیز اکثریت مطلق بسیاری از کشورهای غرب آفریقا مسلمان می‌باشند. نام امپراطوریهای اسلامی؛ نظیر امپراطوری گانا (Chana)^۱، مالی (Mali)، فولا (Fula)^۲، سنگای (Songhai)، چندان آشنای ذهن تاریخدانان مسلمان در کشورهای خاورمیانه و خاور دور نیست، گرچه برای محدودی از موزخان و اندیشمندان مصری، به خاطر نزدیکی و همقاره‌ای بودن و انگشت‌شماری از

جهانگردان مسلمان دیگر نقاط جهان اسلام به تصادف، گذری بر آن دیار داشته‌اند و نیز مؤلفان غربی که دولتها یشان در گیریهای طولانی برای شکستن آن امپراطوریها و از بین بردن آثار فکری بجای مانده آنان در زمینه‌سازی برای تبدیل فرهنگی مسلمانان آفریقای غربی کرده‌اند؛ کاملاً آشناست. از این روی برای ما مسلمانان مناطق دورتر، نگرش دوباره لازم است تا مسلمانان مناطق یاد شده را بشناسیم. دستیابی بدان شناخت، از طرق گوناگون ممکن است و از آن جمله بازنگری به حوادث تاریخی مسلمانان غرب آفریقا در قالب بازنگاری پاره‌ای از پدیده‌های شاخص زندگی گذشته آنان که به علت کم‌توجهی موزخان مسلمان در زیر غبار فراموشی مدفون گشته‌اند؛ زیرا بازنگاری حوادث تاریخی دریچه‌ای برای بازیابی درست گذشته است و دست کم شیوه‌ای است برای نقل و ارائه قابل درک و فهم از حوادث گذشته و بازسازی غیرت دینی رنگ باخته و مهجور مسلمانان جهان.

از این رو، تلاش خواهد شد. به نقل از نویسنده‌گان آفریقایی و یا غربی که در حول و حوش حوادث تاریخی غرب آفریقا مطالبی نگاشته‌اند، آگاهیها و اطلاعاتی از گذشته مسلمانان آن خطه ارائه گردد و پاره‌ای از بخش‌های مبهم زندگی دینی آنان روشن شود. حوادثی که بیشتر مورد توجه این نوشتۀ است، پدیده‌های تاریخی است که در حول و حوش حج و در ارتباط با این فریضه بزرگ اسلامی می‌باشد، گرچه به تناسب و به همین بهانه، کوششی نیز برای روشن کردن دیگر جوانب زندگی دینی مسلمانان آن دیار، به عمل خواهد آمد. یادکرد این نکته خالی از فایده نخواهد بود که آوردن پدیده‌های تاریخی از منابع غربی، به مفهوم تأیید و تأکید نوشتۀ‌های آنان نیست بلکه در واقع هدف در دسترس قرار دادن نوشتۀ‌های آنان است با این باور که نگاشته‌های فارسی و عربی در این موارد، قابل دسترسی اغلب جویندگان می‌باشد و نیازی به دوباره نگاری نیست.

یکی از دولتها اسلامی پرقدرت در غرب آفریقا امپراطوری «مالی» بود. این امپراطوری که در پی انقراض امپراطوری گانا و حکومت کم قدرت سوسو وارد صحنه سیاست و قدرت غرب آفریقا شد، در زمان منسا موسی (Mansa musa)^۳ به اوج قدرت خود رسید. در این زمان امپراطوری گسترش نهایی خود را انجام داد و به علت تلاشهای بین‌المللی و مسافرت جنجالی منسا موسی شهرت جهانی به دست آورد. منسا موسی اجرای قوانین اسلامی را در قلمرو حکومت خود الزامی کرد و پایگاه آموزشی و حوزه‌های تعلیم دینی قوی را

بینان نهاد، پای علماء و اندیشمندان دیگر نقاط جهان اسلام را بدان سوی باز کرد و با گسترش تجارت، بین قلمرو خود و دیگر نقاط جهان اسلام، روابط کشورش را با بقیه دنیا اسلام مستحکم کرد. وی با آوردن مبلغان اسماعیلی از سویی و سادات و شرفاء از مکه، از سوی دیگر، شناختهای جسته و گریخته از اهل بیت - علیهم السلام - را هدیه مردمش کرد. آنچه که در فکر و زندگی منسا موسی نقش اصلی را بازی کرد و موجب تحریک وی برای انجام اصلاحات دینی و نیز تحکیم، گسترش و به صحنه عمل آوردن اسلام گشت، حج پرخرج، پرس و صدا و طولانی وی بود. وی در این سفر افزون بر آشنایی و دیدار با مسلمانان و حجاج در مکه، با اندیشه‌های رایج دینی در مصر که در آن زمان بیشتر فکر اسماعیلیان رواج داشت، آشنا شد و در بازگشت بر آن شد که دیده‌ها و آموخته‌های خویش را جامه عمل پیوشاند و در قلمرو خویش، مرکز دینی پراوازه‌ای را سامان دهد. در اینجا با آوردن جریان مسافرت وی از دو منبع گزارشی آفریقایی، کوشش خواهد شد؛ اهمیت این مسافرت تبیین گردد. نخستین منبع نوشته آقای آدو بوهن (Adu boohn) از دانشگاه گانا با نام «مقالاتی در تاریخ غرب آفریقا» است و دیگری از کتاب «مردم و امپراطوری‌های غرب آفریقا» نوشته آقایان استراید (Strid) و کارلاین ایفکا (Carolinic ifka) برگرفته شده است.

آقای بوهن در مورد سفر حج منسا موسی می‌نویسد:

«... در مورد هیچ یک از فعالیتهای منسا موسی به مقداری که در مورد حج وی بین سالهای ۱۳۲۴ - ۱۳۲۵ نگارش یافته، نوشته نشده است. این حج در سطحی انجام گرفت که تا آن موقع بی‌نظیر بود. وی قبل از حرکت، مقدمات امر را از سرتاسر امپراطوری تهیه دید. طبق نوشته العمری؛ وی کشور مالی (Mali) را با تعداد حیرت‌انگیز صد بار شتر طلا (طبق گفته این خلدون ۸۰ بار شتر) ترک کرد. همچنین گفته شد که پانصد غلام پیشاپیش وی حرکت می‌کردند که هر کدام نیزه‌ای طلایی به وزن چهار پوند با خود حمل می‌کردند. علاوه بر این، وی هزاران نفر از هموطنانش را که شامل غلامان برای حمل وسایل شخصی؛ سربازان جهت حراست از کاروان و کارمندان و اعیان بود به همراه خود برد. ملکه وی نیز در این سفر به همراه پانصد نوکر و ندیمه شرکت جست.

منسا موسی، همراهان و کاروان نیانی (Niani) را از راه نیجر به سوی ماما (Mema) ترک کرد و از آنجا از طریق تاقزا (Taghza) به توت (Tuat) رهسپار شد و سپس در جهت شرق به

سوی مصر حرکت کرد که در جولای ۱۳۲۴ به آن شهر وارد شد. آنان سه ماه تمام در مصر توقف کردند و آنگاه در سپتامبر ۱۳۲۴ به سوی مکه روان شدند. در مکه چهار ماه توقف کردند و سپس به مصر بازگشتند و از طریق گادامس (Ghadames) و تیمباكتو (Timbuctu) راهی نیانی شدند.

در هر صورت، وی طلای فراوانی به همراه خود برده بود. منسا موسی در مصر و مکه نسبت به حاکمان، درباریان و اعیان، بسیار گشاده دستی به خرج داد. وی همچنین برای خود خرید بسیاری انجام داد، بگونه‌ای که پولش به اتمام رسید و در نتیجه مجبور شد با ریح بالایی پول قرض کند. العمری که یازده سال بعد از مسافرت منسا موسی مصر را دید، نوشته است: منسا موسی هیچ امیر یا دارنده پست و مقامی در دربار پادشاه مصر را بدون برخورداری از محمولة طلا رها نکرد. وی و همراهان آن قدر طلا مصرف کردند که بازار آن در مصر کسداد شد و قیمتش تنزل کرد.

در هر حال؛ توجه برانگیزترین بخش این حج پرخرج، اثربود که بر شخصیت منسا موسی و حکومتش داشت نخستین و مشهورترین اثر آن، شهرت فراوانی بود که به مالی داد؛ امپراطوری برای اولین بار، در نقشه اروپایی (Mappa mundi) و یا نقشه جهان که توسط انجلنی دولسرت (Angelino dulcert) در سال ۱۳۳۹ و دقیقاً دو سال پس از مرگ منسا موسی، تهیه شده بود، ظاهر گردید و در نقشه‌های بعدی با تفصیل و شرح زیادی مطرح گشت.

دو مین اثر حج مزبور، آن بود که تجارت بین مصر و مالی گسترش پیدا کرد. طبق گفته این خلدون، بعداز حج منسا موسی، رفت و آمد تجارت مصر به مالی افزایش یافت. منسا موسی و همراهانش زمانی که در مصر بودند، به خرید انواع گوناگون کالا دست یازیدند و تجارت همان قبیل اجناس بعد از برگشت منسا موسی به وطنش ادامه یافت.

منسا موسی خود نیز آکنده از اندیشه و تصمیم بر پاکسازی و خالص گرایی اسلام؛ تقویت اسلام؛ پیشبرد آموزش و شناساندن پاره‌ای از آنچه که در سفرش دیده بود؛ به مالی برگشت. وی برای شناساندن اسلام گروهی از علماء، مبلغان و متخصصان حرفه‌های مختلف را با خود آورد؛ نظیر ابو اسحاق ساحلی شاعر، دانشمند و معمار اسپانیایی المعمر؛ مبلغ اسماعیلی - که وی را هنگام برگشت در گادامس (Ghadames) دیده بود - و چهار شریف (سید) از خاندان پیامبر از مکه، تا مردم بادیدن آنان خوشنود و سرزمن مالی به قدم آنان متبرک شود.

وی اندیشه اصلاحی خویش را با دستوری مبنی بر اجرای اصول پنجمگانه اسلام، بدون کم و کاست، آغاز کرد. برای تهیه و تدارک مقدمات پرستش به ابو اسحاق ساحلی، معمار مسلمان، دستور داد که چند مسجد بسازد؛ بزرگترین این مساجد مسجد جمعه در شهر تیمباكتو بود؛ جایی که ساحلی در آن مستقر بود و در همانجا در سال ۱۳۴۶ درگذشت. ساحلی همچنین قصری برای منسا موسی ساخت که توسط یکی از منابع خبری ابن خلدون، اینگونه توصیف شده است: ساختمانی گرد دارای گبدهی با طرحهای رنگی که موجب شده است ساختمانی بسیار ظریف جلوه کند. این موضوع پذیرفته شده، که سبک معماری الساحلی، در معماری آفریقای غربی، اثر خود را گذاشته است.

منسا موسی همچنین با فرستادن شاگردانی از مالی جهت آموزش به فاس (Faz) آموزش اسلامی را گسترش داد. بویژه آن که این شیوه توسط بعضی از جانشینان وی نیز ادامه پیدا کرد. وی همچنین زیربنای شهر تیمباكتو را بدان گونه که بعدها مرکز تجارت و آموزش در غرب آفریقا - نه به خاطر داشتن مسجد جمعه بلکه به علت برخورداری از اندیشمندان، جالب توجه شد - پی‌ریزی کرد.

بنابراین علی رغم آنکه حج پرخرج و بی‌سابقه منسا موسی، باعث تنگdestی غیر لازم در کشورش گردید، موجب شد که وی به عنوان بزرگترین حاکمی مطرح شود که توفیق پیدا کرد امنیت و نظم در کشور مالی ایجاد کند. گسترش تجارت و بازارگانی، خلوص‌گرایی و تقویت اسلام و ایجاد فضای اسلامی و در نهایت ایجاد شهرت برای کشور مالی، بدان‌گونه که در اروپا و در تمام جهان اسلام شناخته شود؛ نیز از ره‌آوردهای سفر حج او بود. هنگام مرگ وی، امپراطوری مالی از غرب تا به گامبیا (Gambia) و تاکرر (Takrar)؛ از شرق گائو (Guo) و تادمکا (Tadmekka) و از شمال به ساحل (Sahel) و والتا (Walata) و در جنوب تا شمال نیجر گسترش پیدا کرده بود. روزگار وی در واقع دوران طلایی بود. شگفت‌انگیز نیست که بعد از مرگ وی در سال ۱۳۳۷ میلادی، نام وی همچنان در یادها ماند و تا قرنها زنده‌نام گشت...»^۴ همان‌گونه که بوهن در گزارش خود آورده، منسا موسی به خاطر مخارج فراوان بین راه در مصر، مجبور به وام گرفتن شد. این موضوع را فلسفه‌نگاری نیز در کتاب خود آورده است. فلسفه‌نگاری افزون بر مطلب یاد شده، از تلاش منسا موسی برای یادگیری احکام اسلامی در مصر نام می‌برد. وی حتی بعضی از عادات متداول در کشورش را نزد علمای مصر بیان می‌کرد

و از آنان در مورد مشروع و غیر مشروع بودن آن سؤال می‌کرد. در یکی از موارد منسا موسی به ابن حاچب می‌گوید: در مناطق ما اینگونه مرسوم است که اگر فردی دختر زیبارویی داشته باشد بدون اجرای عقد نکاح به دربار پادشاه می‌فرستد! آیا ازدواج اینگونه مشروع است یا نه؟ و ابن حاچب در پاسخ حرمت آن را نه تنها بر توده مردم بلکه بر پادشاهان نیز، بیان می‌کند و منسا موسی قسم می‌خورد که تاکنون به حرمت این مسأله آگاه نبوده است.^۵

مؤلفین کتاب «امپراطوریها و مردم غرب آفریقا» به مسافرت منسا موسی از دید دیگری نگاه کرده‌اند؛ آنان بیش از آن که به نقل حوادث بپردازنند به تحلیل و به دست آوردن چرایی اقدام منسا موسی از دیدگاه سیاسی و دینی پرداخته‌اند و آثار و نتایج دینی و سیاسی این مسافرت جنجالی را یادآور شده‌اند. اینان بر این باور بودند که امپراطوران مالی که از قبیله مدینگو^۶ بودند، جهت تثبیت حاکمیت خویش بر غیر قبیله مسلمان مدینگو، ناچار بودند دین خویش را تبلیغ و گسترش دهند تا بین خود و دیگر قبایل تحت سیطره‌شان، همگونی دینی بوجود آورند و از این طریق «همدلی دینی» را بجای «عناد قبایلی» که در آفریقا نقش مهمی داشته و دارد، بوجود بیاورند. این تحلیل نمی‌تواند چندان از واقعیت دور باشد. با این مقدمه کوتاه به نقل نظرات آنان پرداخته می‌شود:

در کتاب «امپراطوریها و مردم غرب آفریقا» در خصوص حج و نیز فعالیت دینی منسا موسی چنین آمده است:

«یکی از همکاریهای بزرگ منسا موسی با تاریخ مالی گسترش شهرت و موقعیت خارجی آن بود. وی این همکاری را در سطح گسترده، توسط حج مشهور خود بین سالهای ۱۳۲۴ - ۲۵ انجام داد. او اولین حاکم مالی نبود که به حج می‌رفت لیکن هیچ حاکمی قبل از وی، از سرتاسر غرب آفریقا، در آن سطح از پول خرج کردن، به مکه نرفته بود. وی با خود حدود شش هزار نفر از درباریان و خدمه را با لباسهای فاخر و در حالی که سه میلیون پوند طلا را به همراه خود حمل می‌کردند، به مکه برد. او به هرجا که می‌رفت به علت بخشندگی و خرج بی‌حد و حصر خود، برای همراهانش زبانزد می‌شد. در مسیر در هر نماز جمعه‌ای که شرکت می‌کرد مخارج ساختن مسجدی را می‌پرداخت. زن وی نیز در مصر خرج زیادی کرد بگونه‌ای که ارزش این فلز گرانبهای (طلا) افت کرد. منسا موسی مال فراوانی در راه وقف، هدیه و خرید

صرف کرد بطوری که در بازگشت، مجبور به قرض شد. و هیچ فرصتی را برای تبلیغ امپراطوری وسیع و پرقدرت‌ش از دست نداد. در نتیجه چنین عملی قدرت و ثروت حکومت مالی نه تنها برای سرتاسر جهان اسلام بلکه برای اروپائیان نیز شناخته شد.

«شخصیت و موقعیت»، ارزش عملی دارد منسا موسی خوب به آن پی‌برده بود و در توانش بود که روابط دوستانه خود را با حاکمان شمال آفریقا مستحکم کند، بویژه با سلطان فاس (Faz)؛ مرکز تجاری مهم مغرب. این همکاری، ثروت، حکومت شایسته و رشد اسلامگرایی را در مالی به همراه داشت بنابراین تشویق تجارت بین مالی و شمال آفریقا در دوران پادشاهی منسا موسی یکی از بزرگترین کامیابیها بود.

بطور حتم، منسا موسی حاکمی بود که مسؤولیت جا اندازی اسلام، عنوان دین رسمی شهرهای مالی را بر عهده داشت و خود به تقوا و دینداری مشهور بود. وی در انجام اصول پنجگانه^۷ اسلام جدی بود؛ نمازهای یومیه پنجگانه را بجای می‌آورد، در نماز باشکوه جمعه شرکت می‌جست؛ در طول ماه مبارک رمضان روزه می‌گرفت، زکات اموالش را می‌پرداخت و حج انجام می‌داد. وی عید پایان ماه رمضان را به جشن ملی تبدیل کرد. به اجراء مساجدی در چندین شهر بنا کرد. احتمالاً اصرار وی برای آن بود که مسلمانان مالی تا حدودی که شناخت دارند و برایشان عملی است طبق اسلام حقیقی به عبادت بپردازند. به خاطر حمایت و پشتیبانی که از علماء انجام داد، تشویقهای وی از اسلام به حوزه آموزش و علم نیز گسترش پیدا کرد. این تشویقهای از علماء با شخصیت تنها در راستای مطالعات و آموزش علوم اسلامی آنان نبود بلکه شامل جذب اندیشمندان از دیگر نقاط جهان اسلام نیز می‌شد، به همین خاطر تیمباكتو (Timbuktu) به یکی از مشهورترین مرکز علمای اسلام در جهان تبدیل شد و این عمل دارای ارزش فراوان بود؛ از آن جمله رسمیت یافتن ادبیات و زبان عرب در اداره امور دولتی و همچنین پیشبرد و اصلاح روابط سیاسی و تجاری با شمال آفریقا.

مطالعات آموزش‌های اسلامی، تنها موجب بالا رفتن اسلام در مالی نگشت، بلکه موقعیت بیرونی مالی را نیز بالا برد و گسترش داد. روابط اسلامی منسا موسی با شمال آفریقا در بخش معماری نیز موجب پیشرفت‌های مهمی برای مالی شد. وی در بازگشت از مکه، شاعر و معمار اندلسی به نام ساحلی را به همراه آورد. ساحلی قصر زیبایی برای منسا موسی در تیمباكتو و تعدادی مسجد در شهرهای مالی از جمله تیمباكتو و گاؤ (Gao) ساخت. شیوه

معماری ساحلی و مصالحی که وی بکارگرفت برای مالی چیز جدیدی بود و موجب معرفی بامهای مسطح شمال آفریقا، مناره‌های هرم‌گونه و استفاده از آجر شد.

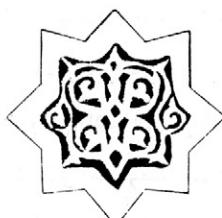
همچنین آگاهیهای محدود اسلامی که در آن ناحیه بود، توسط منسا موسی گسترش و به آن عمق بخشیده شد. وی با حرارت و جدیت، دین اسلام را به عنوان آیین نیایشی حکومت و طبقهٔ تجارت رسمی کرد. تلاش و انگیزهٔ وی برای این کار دو چیز بود: نخست آن که اسلام از هر مسلمان خوب خواسته است که گسترش عقیده و انجام و مراعات درست آن را از وظایف خود بداند و دیگر این که اسلام ارزش سیاسی بالایی برای منسا موسی داشت.

در آفریقای غربی مهمترین مناطق از نظر سیاسی و اقتصادی، شهرهای بزرگ هستند و بسیاری از این شهرهای بزرگ، شهرهای غیر مدینگو (Mon madingo) با حاکمان مالیایی بودند و حاکمان کوچکتر، از طریق کنترل بر پایهٔ آیین مذهبی مدینگوها نمی‌توانستند صداقت دینی مردم غیر مدینگو را به دست آورند. بنابراین باید این افراد نیز مسلمان می‌شدند تا بطور طبیعی ارتباط دینی با حاکمان مدینگو (و مسلمان) به دست آورند و وظیفهٔ شرعی در اطاعت از منسا موسی را به علت این که وی حاکمی مسلمان است، در خود احساس کنند. این نیز ممکن است که منسا موسی به پشتونی سیاستمداران غیر مدینگو نیازمند بود، چون وی از نسل مستقیم ساندیاتا (Sundiata) نبود و بر پایهٔ تصادف به حاکمیت رسیده بود.

منسا موسی هنوز همچنان بزرگترین حاکم مالی تلقی می‌شود و این نه به خاطر آن است که وی حاکم مستحکم کنندهٔ بزرگ مالی بود بلکه به علت آن که تثبیت کنندهٔ بزرگی بود که با لیاقت، حاکمیتی را که ساندیاتا و ساکورا (sakura) پایه‌گذاری کرده بود، تثبیت کرد. وی بزرگترین حاکم مالی بود چون آن کشور را در اوج نقطهٔ تاریخی اش رهبری کرد. وی امپراطوری بزرگی را به ارث برد و آن را نگهدشت و گسترش داد. بالاتر از همه وی با هوشیاری، شهرت خارجی مالی را با معزفی قدرت و ثروت آن، وسعت بخشید. کارها، تلاش و کوشش وی برای اسلام و بالا بردن ارزش پادشاهی در شهرهای امپراطوری، موجب عظمت منسا موسی گشت. همچنین وی کنترل حکومت مرکزی را بر بخش غیر مدینگوی امپراطوری، عملی ساخت و شهر تیمبکتو را از گمنامی به مقام اوّل در تجارت صحراء رساند.^۸ چنانکه در گزارش نویسنده‌گان کتاب «امپراطوریها و مردم آفریقای غربی» تصریح شده است؛ یکی از آثار مهم حج منسا موسی تصمیم وی بر مسلمان سازی غرب آفریقا از طریق

بنا و پایه‌گذاری مساجد بزرگ در شهرهای اصلی بود و دیگری رواج زبان و ادبیات عرب به عنوان زبان رسمی امپراطوری مالی، که این اقدام موجب سهولت انتقال معارف و اندیشه‌های اسلامی از طریق شمال آفریقا، که در آن روزگار از مراکز دینی مهم تلقی می‌شدند گردید. و از همه مهمتر، ایجاد مرکزیت دینی و حوزوی در تیمباکتو بود. تیمباکتو که در منتهی الیه قوسی شمالی رودخانه نیجر قرار داشت نقش مهمی در بخش جنوبی و غربی آفریقای جنوب غربی داشت و از آنجا که یک مرکز تجاری بزرگ تلقی می‌شد، نقطه تلاقی سیاهپوستان پایین رود نیجر و تجار مالی که واسطه تجارت شمال و جنوب آفریقای غربی بودند به حساب می‌آمد و نقطه تلاقی بودن تیمباکتو از سویی و مرکز دینی گشتن آن از سوی دیگر، موجب گشت که اسلام از این مرکز دینی به سوی جنوب و جنوب غربی و مناطق جنگلی سواحل اقیانوس اطلس گسترش پیدا کند.

از مجموع این گزارشها می‌توان چنین نتیجه گرفت که فریضه حج به خاطر نقش آن در آشنایی و تعارف بین اندیشمندان، حاکمان، امیران و مردم عادی در یک فضای باشکوه و روحانی باعث می‌شد که مردم مناطق دوردست از سیر اندیشه دینی در دیگر مناطق، بویژه در مراکز دینی و علمی نزدیک مکه، آگاه گردند و در آنان انقلاب فکری و روحی ایجاد شود و به فکر ایجاد مراکزی همگون و پایه‌ریزی حوزه‌های فکری و دینی در مناطق خویش بیفتند و با دعوت کردن از علماء و اندیشمندان، به روند توسعه فکری و دینی کشورهایشان کمک کنند. در مقالات آینده با نگارش شرح سفر دیگر حکام و امپراطورهای آفریقا به مکه معظمه، تأثیر حج در گسترش فکر و اندیشه دینی در آفریقا را پی خواهیم گرفت.



پی نوشتها:

۱- امپراطوری گانا که کشور کنونی گانا به نام آن امپراطوری نامگذاری شده است، به حکومتی اطلاق می‌شود که توسط قبیله Soninke بین سالهای ۷۰۰ تا ۱۲۵۰ میلادی در محدوده نیجر تا سنگال کنونی قدرت را به دست داشت. از چگونگی پیدایش و نیز تاریخ اولیه این امپراطوری، اطلاعات دقیقی در دست نیست. بهترین منبع در این مورد، نوشته‌های مورخ مسلمان اندلسی به نام العکبری است که در سال ۱۰۶۸ میلادی از منطقه دیدار کرده است. امپراطوری گانا گرچه در آغاز یک امپراطوری غیر مسلمان بود لیکن بعد از اسلام درین مردم منطقه گسترش پیدا می‌کند و تبدیل به یک امپراطوری مسلمان می‌شود که قوانین اسلامی در آن به اجرا درمی‌آید. امپراطوری گانا به علت اختلافات داخلی، استقلال طلبی قبایل تحت کنترل امپراطوری؛ نظیر قبیله سوسو و در نهایت با پیدایش امپراطوری مالی از بین رفت.

۲- قبیله «فولا» یا «فولانی» (Fulani) یکی از مشهورترین قبیله مسلمان غرب آفریقا است که امروزه در آفریقای غربی و مرکزی پراکنده‌اند. ریشه این قبیله از منطقه فوتا جلو (Futa jallon) در گینه کوناکری کنونی است و اکنون یکی از مدعیان حکومت در برابر دو قبیله سوسو (Susu) و مالینکا (Malika) در گینه می‌باشد. این قبیله خود را نیمه عرب می‌دانند و چنین پنداشته می‌شود که از نظر پدری عرب و از نظر مادری زنده سیاه دارند. شغل اصلی این قبیله گاوداری بود که بعداً به تجارت روی آوردن و یکی از قبایل ثروتمند غرب آفریقا شمرده می‌شوند و از آگاهان به فن تجارت تلقی می‌گردند. تقریباً تنها قبیله‌ای است که بطور کامل مسلمان هستند و در برابر استعمار فرانسه و انگلیس در غرب آفریقا از اصالت دینی خود دفاع کردن و همچنان زبان و خط خود راکه به حروف عربی نگاشته می‌شود، حفظ کردن. فولانیها به علت شغل گله‌داری مجبور بودند برای به دست آوردن مرتع، همواره در حرکت باشند از این روی با مردم اطراف خود برخوردهای فراوان داشتند و از آنجایی که مسلمانان معتقدی بودند در این حرکتهای شغلی، یکی از اهداف خود را ترویج اسلام قرار داده بودند و برای این هدف افزون بر ایجاد مدارس دینی و افتتاح مکتب‌خانه در شهرها و روستاهای مسیرشان، در موارد ضروری دست به مبارزه مسلحانه می‌زنند و کم کم به قدرت بزرگی تبدیل شدن و حکومت مقندری پی‌ریزی کردن و قبایل اطراف خود را به اسلام فرا خوانند؛ از جمله قبائلی که تحت تأثیر آموزش قبیله فولا مسلمان شدند، دو قبیله سوسو در گینه و تمنی (Tamne) در سیراللون می‌باشد. در مرود قبیله فولا یادآوری این نکته خالی از فایده نیست که طریقه عرفانی تیجانی در میان قبیله مزبور، گسترش فراوان دارد و همین امر زمینه مناسبی برای تشیع در بینشان فراهم آورده است، گرچه در شهر کوناکری پایتخت گینه، به علت پشتونه قوی مالی و هایات حاشیه خلیج فارس، تا حدودی آیین و هایات جای باز کرده است لیکن مناطق اصلی سکونت فولانیها؛ یعنی فوتا جلو همچنان برای ترویج تشیع آمادگی خود را حفظ کرده است.

۳- منسا موسی حاکم امپراطوری مالی بین سالهای ۱۳۳۷- ۱۳۱۲ در بی بک دوره اغتشاش و از هم پاشیدگی امپراطوری مالی، بعد از مرگ ساندیاتا Sandjata در سال ۱۲۵۵ و عدم توفیق جانشینان وی، از خاندان پادشاهی، قدرت را در مالی به دست آورد. وی با اعمال سیاستهای موفق از قبیل هماهنگ ساختن قبایل، بکارگیری اندیشمندان مسلمان در مدیریتهای مهم و نیز جنگهای دلیرانه خود، توانست امپراطوری از هم پاشیده مالی را به اوج قدرت خود برساند. مشکل عمده منسا موسی در این بود که از خاندان پادشاهان مالی نبود و به همین علت به جای اندیشیدن به «وحدت قبیله‌ای»، «وحدت دینی» را محور کار خود قرار داد.

۴- Adu boahen, with jacob f. ade ajayi and michael tidy; atopics in west african histroy;

second edition 1986. longman group limited page 29-31

۵- قلقشندی، احمد بن علی (متوفی ۸۲۱): صبحی الأعشی فی صناعة الإنشاء، دارالكتب العلمیه بیروت، ج ۵، ص ۲۸۴-۲۸۵.

۶- مدینگو Madingo، قبیله‌ای مسلمان از شمال رود گامبیا است که اکنون در بیشتر کشورهای غربی آفریقا از قبیل لیبریا، سیرالئون، گینه، مالی و سنگال افراد آن پراکنده هستند. از استخوان‌بندی نسبتاً قوی و اندامی کشیده و سیاهی روشن متمایل به قرمزی برخوردارند، بطور عمدۀ به تجارت مشغول هستند و به پوشیدن لباسهای فاخر شهرت دارند درین مردم غرب آفریقا در مورد روانشناسی چند قبیله عبارت معنی داری بدین مضمون متبادل است که مدینگوها کار می‌کنند و نمی‌خورند تا لباسهای بلند و فاخر بپوشند و فولادیهای نمی‌پوشند و غذا یکبار در روز می‌خورند تا ثروتمند شوند و تمیهای هر چه بدست می‌آورند به شکم می‌ریزند. این قبیله از دیرباز به خاطر شغل تجارتی خود در شهرها و روستاهای می‌شستند و در ضمن به آموزش و گسترش اسلام دست می‌بازیدند. تجار دو قبیله فولا و مدینگو از عوامل مهم گسترش اسلام در غرب آفریقا به سمار می‌آیند. در مورد مدینگوها یک رمان به نام «بردگان سیاه» توسط آقای محمد قاضی به فارسی ترجمه شده است که نکات خواندنی دارد.

۷- پنج سخون دین در نظر اهل سنت؛ عبارتنداز بیان شهادتین، انجام فرائض یومیه، روزه ماه مبارک رمضان، پرداخت زکات و انجام فریضه حج. این اصول پنجگانه در بین مردم غرب آفریقا متراffد با مسلمانی تلقی می‌گردد و عمدۀ ترین فعالیت مبلغان اهل سنت بر تبلیغ همین اصول بدون توجیه و تفسیر درست و قابل فهم از اسلام و نیز اصول پنجگانه یاد شده متمرکز است و به همین خاطر مسلمانان در برابر حملات کلامی مسیحیان توان دفاع ندارند. و از این رو مسیحیت که معارف خود را به زبان قابل فهم در سطح دیستانها، دیبرستانها و دانشگاه‌های ارائه می‌کند روز به روز بین جوانان محبوب می‌شوند و مسلمانان عقبتشینی می‌کنند.

۸-G.T.Stride, B.A and carolin ifeka, Ph.D. peoples and empires of west africa. last printed. 1948. thomas nelson and sons.ltd pag 51-50.